

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام  
صاحب امتیاز روزنامه هفتکی  
و یومی (جلالتین)  
(عنوان مراسلات)  
طهران خیابان لاله زار  
نایب مدیر میرزا سید حسن کاشانی  
غیر از روزهای جمعه همه روزه  
طبع و توزیع میشود

یومی

# عَبَلِ الْمَلِئِینِ

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۴۰ قران  
سایر بلاد داخله ۴۵ قران  
روسیه و قفقاز ۱۰ منک  
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

(قیمت يك نسخه)

دو طهران یکصد دینار

سایر بلاد ایران سه شاهی است

اعلان سطرى دو قران است

(روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه)  
(بامضا قبول و دو انتشارش اداره آزاد است و مطلقا مسترد نمی شود)

شنبه ۹ ربیع الاول ۱۳۲۶ هجری قمری ۲۲ فروردین ماه جلالی و ۱۱ آوریل ۱۹۰۸ میلادی

( ما را هیچ طرف مقایسه نمیتوان قرار داد !!! )  
شب گذشته را بیاد ایام صباوت درب کنجه  
کتابها را باز کرده کتاب جغرافیا را برداشته بمطالعه  
پرداختم از احوالات و ترقیات دول از مطالعه و ملاحظه  
عبارات و نقشه جات که خیلی بواسطه حوادثیکه درین  
سنوات اخیره روی داده تغییرات کلی حاصل نموده متعجب  
شده و بعد بمقایسه مستعمرات حالیه دول و مستملکات  
قدیمه آنان شروع کردم و سپس از گذارشات وطن خود  
در همین سنوائیکه همکارانتش را ترقیات محیر العقول حاصل  
شده متأسف گشتم و با خود گفتم سبب چیست که دول  
و ملل عالم طی این مقامات عالی نمایند و این مدارج  
متعالیه را بیابند و ماسال بسال برعکس تزل کرده و  
رشته های امیدمان بجات پلٹیکسی وطن مقدس از هم  
یکیک بکساید

بارالها! اگر خوش بختی آنان و بد بختی ایشان را  
سبب دانم بخت را که عنایت فرمود؟ اگر سعادت و شقاوت  
را دخیل کار بندارم سعادت و شقاوت را که کرامت نمود؟  
جهت آن عزت چه؟ سبب این ذلت چیست؟ چه گناه  
و عیبانی کرده ام که دچار این نکتة شده ایم؟ چه تقصیر  
و نافرمانی نموده ایم که خواری و ذلت کردن  
گیرمان شده؟

دولة زاپون که تا چهل سال قبل از احوال عالم  
بخیر بود یکمرتبه چون آفتاب جهان تاب چهره زریبای  
خود را از اقصای شرق نمود و چنان شاه راه ترقی را  
پیوده که در همین سنوات اخیره یکدفعه با دولة چین و  
یکمرتبه با دولة قوی پنجه روسیه جنگ می کند و با  
یک شهامت و شجاعة معجز نما حریف نبرد را امت می کند

و دشمن را بطوری مقهور و مغلوب میسازد که دول با  
سیاست عالم را مبهوت و متعجب می نماید  
در عین همین بهت و تعجب سرش غیبی مخاطبم  
ساخته و گفت: بمقایسه حال وطن خویش با دول و ملل  
عالم بپرداز تا بیماری وطن و مرض طولانیش را درک کنی  
و بدانی که وطن تو ایران که پادشاهان باستانش کوس ملک  
الملوک چهار می گویدند و گاهی عزم ممالک یونان را  
می نمودند و زمانی جنگ و ستیز با قیصره روم آغاز می  
کردند اکنون چگونه ویران گشته از سخنانش متأثر گشته  
سر از فرمانش نه پیچیده و گفته هایش را بجان و دل  
شیده بدریای تفکر غوطه ور گشتم و بجز ذخائر اندیشه  
فرو رفتم و سپس لؤلؤئی شاهوار و کوهی آبدار  
برایم کشف شد که « ما را هیچ طرف مقایسه نمیتوان  
قرار داد . گذارشات ما با سایر دول و ملل مقایسه  
پذیر نیست . هیچ طرف مقایسه و سنجیدن نیستیم . دولة  
و ملتان هیچ گونه قابل مقایسه و نسبة با سایر دول  
و ملل عالم نیستند »

هان! چرا طرف مقایسه و نسبة نیستیم؟ همین  
طور که صفحات تواریخ بما نشان می دهند . بهمین  
سبب که جراید عالم برای ما بیان می کنند . چنانچه  
بمقایسه احوال کنونی مملکت با گذارشات سابقه و حالات  
حاضر سایر ممالک می پردازیم و یک یک بعرض قارئین  
گرام و مشترکین عظام می رسانیم تا برادران مکرم و  
هموطنان محترم ما از اوضاع عالم با خبر شده در صدد  
چاره فوری برآیند چه که معاهده انکلیس و روس و  
رقابته آلمان با این دولة درباب ممالک مشرق بمافرسه  
نمیدهد و فرصه را باید غنیمت شمرده وقت را اگر آنها

و بر قیمت  
و شجاعة مله  
سیاست طغر  
قطعه نمودن  
توسیده و از  
بلی تار  
و جدال آغاز  
تا پاریس رس  
خیابان نهایی  
صد هزار سر  
و پنچ هزار  
کرور تومان  
اما ما ایرانیان  
و حجج اسلام  
حرب بمقتضای  
در خطر اس  
در صدد تم  
می بینیم مملکت  
بیز مارک می  
را با تدابیر  
و بطوری  
انکلیس با آ  
شب خواب  
امین السلطانی  
بر مسند صد  
خانه بر انداز  
قرض را بر  
برای ما بیان  
خود بصر هزار  
کرده و مصر  
می نماید و  
راجه بخانات  
پرفس صلح ام  
بجنگ عزل او  
که دولت انکلیس  
خود را در افر  
بزی و مخصوص  
( زوه پوش  
سفای تحت  
خود را برای  
شایسته خود  
انکه مبادا ر

و بر قیمت دانسته با اقدامات عاجله بردازند تا آواز شهامة و شجاعة ملة ايران مثل ملة غيور زاین کوش ار باب سیاست علما کر کرده و بشکر قسمت کردن و قطعه قطعه نمودن وطن عزیزمان نباشند بلکه از دلاوریان ترسیده و از غیرتیمان بهراسند

بلی تاریخهای کوبد در زمانی که آلمان با فرانسه جنگ و جدال آغاز نمود و فرانسه را مغلوب ساخته سر با زانش تا پاریس رسیدند بیک اعلان وطن در خطر است که در خیابانهای پاریس چسبیده شد در عرض چند روز صد هزار سرباز داوطلب برای دفاع وطن حاضر شده و پنج هزار ملیون فرنک ( بیول حاله تقریباً دو هزار کروور تومان است ) وجه خسارت آلمان را پرداختد اما ما ایرانیان پس از احکام متعدده علمای اعلام طهران و حجج اسلام تنبیهات عالیه در لزوم تعلیم و تعلم فنون حرب بمقتضای وقت و مقالات مطوله جراید بعنوان وطن در خطر است هیچ اثری بمانده نکرد و تا کنون هم در صدد تعلیم و تعلم فنون حرب بر نیامده ایم یا آنکه می بینیم مملکه آلمان دارای صدور اعظمی مثل پرنس پیز مارک می شود که در مدت صدارت اغتشاشات داخلی را با تدابیر عالیه دفع می کند و ایالات را متحد می نماید و بطوری مملکه خود را ترقی می دهد که امروزه دولت انکلیس با آن سلطوت و جبروت از ترس و بیم آلمان شب خواب راحت ندارد و در مملکه ما مثل وجود امین السلطانی پست و پنج سال مصدر کار می شود و بر مسند صدارت می نشیند که در عرض این مدت امتیازات خانه بر انماز و انصیب بیگانگان می کند و بار کران قرض را بر دوش ملة می نهد یا آنکه جراید خارجه برای ما بیان می کنند که لرد کرومر در مدت ماموریت خود بمصر هزاران اسباب فراهم می آورد تا بملک و ملة خدمه کرده و مصرا دست بسنه تقدیم دولت متبوعه خویش می نماید و ما هم در جراید داخله و خارجه مقالات واجبه بخیاات سفیر کبیر خودمان حضرت اشرف ارفع الدوله پرنس صلح امیر نویان را مطالعه می کنیم و در خدمت هم هیچ بچک عزل او ازین ماموریت عمده نیستیم یا آنکه مشاهده میکنیم که دولت انکلیس با آن همه مستملکات و مستعمرات خود کاهی صلاح خود را در انفرادی بیندوازیج دول متحده بطوری بر قوای بزی و مخصوصاً بحری خود از کرو آرزو کویبراسه ( زده پوش ) و تریل و آتی تریل ( تریل شکن ) و سفاین تحت البحر و غیره می افزاید که سواحل مملکه خود را برای سیاحت جهازات خویش تنک می کنند و کاهی شایسته خود را انحصار بادون می بیند و دیگر تبه از بیم آنکه مبانا رفا هنکام شکار سهمی خود را مطالبه کنند

مجددا بیکه و تنها شده در شکار گاه بخیجیر میرود چنانکه یکمرتبه با ژاپون عقد اتحاد بسته و روسا صد سال عقب انداخت و بمحض شکست روس از ژاپون فرصه را غنیمه دانسته و وقت را از دست نداده باروس از در صلح و آشتی در آمده عهدنامه درباره ایران وافغانستان و ثبت منعقد نموده و از طرف مملک وسیع زرخیز هندوستان بکلی اسوده و فارغ البال شد و بهره و نصیب روسا هم در ایران منحصر بقسمت شمالی و خود هم برای محافظت هندوستان و سد طریق روس قسمت جنوبی ایران را متعلق بخویش نمود . درین چندماه اخیره هم که یک اظهار یکانگی و اتحادی بادول متحابه اروپا نموده بود تا مقام شکار رسید اظهارات موافقت آمیز را فراموش کرده و نسبتاً منسیب بلی مثله شبه جزیره بالکان و مقدونیه پیش آمده حالا وقت است که عنان یکران زبردستی خود را رها کرده و بیکه و تنها در میدان سیاست جولان دهد .

در خلاصه اخبار واجهه بیالکان و مقدونیه که در تازه حیات درج است همچو دستگیر می شود که دولت انکلیس مصمم شده است که یک حاکم عمومی برای مقدونیه تعیین نماید و چنانکه یکی از وزرای سابق اظهار کرده که دولت انکلیس را نه برای ملاحظات سیاسی بلکه برای حیت انسانیت فریضه ذمت است که مقدونیه را انتظام دهد بدین وسیله هم دام تذور را کسترده و عالیانرا کولزده و این لای اهل مقدونیه را خوابانیده تا مقدونیه را نیز در جزو مستملکات خویش نموده و در تحت تصرف و بد اختیار خویش آورد . این دولت بدهان مار غاشبه خیلی شباهت دارد که هر چه می بلعد باز فریاد هل من مزید میزند با اینکه در تمام اقطار عالم و در اکناف ربع مکون از آسیا و افریقا و امریکا و استرالیا مستعمرات دارد آتش حرص فرو نمی نشیند و نایره آزمندیش منخمد نمیشود . آنچه که مهیج سلولهای دماغی ارباب سیاست انکلتان شده و بدین اقدامات مجدانه و ادارشان می کند همانا حرص است که هر چه بر مستعمرات افزوده می شود باز بگریه و فضا نیهای دیگر مجبورشان می سازد و با اقدامات دیگری بردازند : این چه حرص است که جهانی را متزلزل می سازد و یکمرتبه بادوز و کلک جینی های ارباب سیاست آن دولت اساس صلح و سلم را متزلزل می نماید . از طرف دیگر می بینیم که دولت ژاپون بوسیله آنکه دولت چین جهاز موسوم بتاسوما رو را بیهانه حمل اسلحه برای فرقه انقلابیون چنانچه شرح مقدماتش را در نمرات قبل از تازه حیات ترجمه کردیم کشتهای جنگی خود را پندر هوتک کنک می فرستد که یکمرتبه آتش شورش و بلوا در اکثر شهرهای چین مشتعل شده دولت هم لاعلاج می شود و معاون وزارت خارجه اش

بسفیر زاپون مقیم پکن در بنخصوس گفتگو می کند و شرایط را که برداختن وجه خسارت ورد اسلحه محموله کشتی و صدور يك فرمان وسی برای منع داخل کردن اسلحه بخاک چین بوده می پذیرد و معذرت نامه هم قریب باین مضمون از طرف خود بسفیر زاپون تقدیم می نماید که دولت چین از توقیف نمودن کشتی زاپونی موسوم بناتسومارو و نزول بیدق زاپون کمال تأسف را دارد و ضمناً هم ملتزم است که مرتکبین این عمل شذرا بمجازات سخت برساند بل این اقدامات ترقی خواهانه همه از حرص برمی خیزد و سر سلسله این کربه رقصاتیها آغاز و انجامش آزمندی است

این جا موقعی است که باواز بلند بگویم ما را هیچ طرف مقایسه نمیتوان قرار داد چه که بدبختانه ما ایرانیان را از آغاز کبودکی بطوری پرورانیده اند که هنوز هم سرمشاه ترقیات آتیه و آتیه خود را قناعت می پنداریم و حرص و از صفات رذیله می دانیم غافل از آنکه نظام عالم بسته بحرص است و بدون حرص هرگز دول مقتدره عالم را ترقیات محیر العقول دست نمیدهد ( بقیه دارد )

( لایحه انجمن جلیله بنی هاشم و اشراف )

بعد از آنکه صیت مشروطه کوش زد اهالی ایران و ایرانیان گردید هرکس بقدر خود از خوب غفلت چندین ساله بیدار شده و بقدر امکان در رفع تعدیات و اجحافات زمان استبداد برآمده و بمحمدالله فی الجمله رافع و دفع نموده اند ولی مسئله تعدی غسال خانه را که اعظم اجحافات صرف استبداد است امنای خیر خواه وطن دوست توجیهی فرمودند علیهذا انجمن محترم بنی هاشم و اشراف که مدیر انجمن محترم جناب مستطاب سلاطه الاطیاب آقا میر جعفر معتمد السادات تبریزی که از غیر تمدنان روزگار است می باشند محض نوع پرستی و آسایش برادران دینی در رفع و دفع تعدیات غسال خانه اقدامی کرده و در وسط قبرستان قطعه موسوم به نمش خانه مشغول تدارک غسال خانه شده که برا دران دینی خود را از قید این تعدیات آسوده کرده که فقط مصارف تمسیل و تکفین و تدفین زیاده از یکتومان نباشد و اجزای غسال خانه محض اینکه به تعدی و اجحافات سابقه خود باقی باشند عرایض شبه آمیزی حضور مبارک حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمین غوث الملة والدین آقای آقا سید عبدالله مجتهد دام بقائه اظهار داشته بودند لهذا روز جمعه ۲۴ شهر صفر ۱۳۲۶ اعضای محترم این انجمن مقاصد خیریه خود را حضور مبارک حضرت مستطاب حجة الاسلام عرضه داشته و سئوالی کرده اند و جواب مساعدی مرقوم فرموده اند که محض اطلاع قراء

محترم و عموم برادران مکرم سواد سئوال و جواب ازرا عرض و اظهار می نماید سواد سئوالی است که بحضور مبارک حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمین عرض شده - بمقام رفیع حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمین غوث الملة والدین بند کمان آقای آقا سید عبدالله مجتهد دام مجده العالی عرض زحمت می دهد که انجمن محترم بنی هاشم و اشراف برای خدمت بهم وطنان ایمانی خود و رفع اجحافات غسال خانه که بطریق زمان استبداد عمل می نمایند غسال خانه تاسیس کرده که اموات را از اعلا و ادن از حیث تمسیل و تکفین و تدفین در یک نومان بخاک بسپارد و زیاده از مبلغ مزبور توقع و تعدی نمایند چون این مسئله بر هر ذی نفسی واجب کفائی است و این انجمن می خواهد ادای تکلیف خود را کرده باشد مستدعی است که تصویب و تکلیف این مقصود را در صدر و رقه مرقوم و مزین فرمایند که عند الحاجة حجة بوده باشد -

( سواد دستخط حجة الاسلام آقای آقا سید عبدالله مجتهد )  
بسم الله الرحمن الرحیم بداعی غیر از اینطور گفتند که انوجه انطور مناسب نبود لهذا بمخدمت حکومت نوشتم که منع کنند حالا که اعضاء و اجزاء محترم انجمن مکرم بنی هاشم آمدند و مسئله را بطور صحیح تقرر کردند خیلی تحسین کردم و اقامت تحسین دارد و این عیار یکتومان را که مؤنه بجهة اموات مقرر فرمودند خبی مناسب است البته مشغول باشند حضرات غسالهای سابق هم هرگاه باین عیار قبول دارند مشغول باشند و اگر میخواهند تعدی بر مسلمین بکنند هیچ کس اجازه نمیدهد و ادن ندارند که ابواب تعدی را با مسلمانان مفتوح دارند بلی هرگاه اولیای اموات باطیب نفس و رضای خاطر تعارفی به غسال و عمله جات غسال خانه بدهند کسی منع نمی کند و اگر بهی حیاتی و بی ادبی می خواهند اولیای اموات و معزاین را مجبور بدانند زیاده از یک نومان بنمایند بداعی اخبار کنند تا مجازات آنها خواسته شود حرره الجانی عبدالله الموسوی البهبهانی  
۲۴ شهر صفر ۱۳۲۶

( سواد مرقومه جناب امیر معظم حکران )

موافق شرحی که از محضر نیت حضرت مستطاب شریتمدار ملاذ الانام حجة الاسلام والمسلمین آقای آقا سید عبدالله مجتهد دامت برکاته شرف ترقیم یافته مطاع و متبع است میبایست بخوبیکه مقرر و توضیح فرموده اند مبشترین غسالخانه طهران اطاعت و ممول داشته و تخلف نمایند بیست پنجم شهر صفر ۱۳۲۶ مصطفی قلی امیر معظم - کاشف السطنه رئیس بادیه

( تلکراف از شیراز بطهران )

توسط انجمن محترم جنوب و انجمن مرکزی عموم

اصناف خدمت پناه گاه مظلومین آقای تقی زاده دامت برکاته عرض میشود نمیدانیم چه نسخه در وکلاء مجلس مقدس همیده شده که تمام ساکت نشسته و کوش بفریاد ستم رسیدگان ملامت مظلوم فارس نمیدهد مگر ما بجزایر عدالت خواه از زمره اسلام خارج و اهل ایران نیستیم که باینکه از ظلم پسران قوام الملک خانه همامان غارت و حجة الاسلام را به هفده تیر شهید و سید مظلوم علمدار مشروطه فارس را تیر باران و مملوب و مقتول اعضاء بسوزانند بر شرارت افزوده و یکی از ما در امان نباشیم هر چه فغان و ناله کنیم اعتنا نکنید و برابورت های دروغ احتمال آسودگی بدهید از غیرت و نوع خواهی شما علاج ما فرار یا توسل به کفارت سیم کیانی هم عرض شد جواب فوراً مرحمت (انجمن اسلامی . انجمن انصار)

ادای تکلیف

محمل است اکثر اولیای امور ملة ازا استانتیک ولایات اردبیل و مشکین و طالش و قراجه داغ و خلخال اطلاع کامل نداشته باشند در سنوات ماضیه برای هر یک از وزیات معروضه بملاحظه اهمیت سرحدی دو مجمع العشار شریر الطبع و فتنه انگیزند حکام مقتدر و مستعد با کفایت منتخب میشوند

از پارسال بصلاحت باطنیه حکمرانی انجاها را برشیدالملک محول اردبیل را مرکز مقرر داشتند هیچیک از صاحبان غیرت و وجدان و امتیاز موروثی و مکتوسی نیابت حکومت ولایات معروضه و مسئولیت تبعیت او را قبول نمودند بحکم صرفه شخصی و صلاح مستبدین عبدالسلطان خلخالی و محمدقلیخان مبصر السلطنه آلاری و نظایر آنها را نایب الحکومه منتخب نمود طوفان ناخت و تاز ولایت را احاطه کرده اموال بتاراج رفت ناموسها هتک شد خونها جاری گشت خاها ویران گردید جراید داخله و خارجه بدرج ده یک تعدیات و اوده بملت مظلوم ملو انیهمه سیئات مستبدانه رشیدالملک باغفال موضوع بانتفاع و سابط تبریز و تصدیق منخاضمانه اعضاء انجمن منتخبه خود و مساعدت مستبدین و محتکرین ولایت و جعلیات اعزازالدوله تلکرافچی اردبیل اولیای ملت را بقیه انداخت بالاخره فزایش قوای نظامی عمسایه شمالی و ورود قزاق و توب مسلسل باردبیل اولیای دولت و ملت را بختیئات مشار الیه و تغییر او متوجه نمود

حکمت باطنی این مسئله معلوم نیست از ابتدای محرم تاکنون چند نفر را بحکومت منتخب و حرکت نکرده معزول من جمله جناب سهام الدوله که بحسن انتخاب منتخب و محل اطمینان بود سفارت دولت پروس واسطه بمیانم کردیدر جناب وزیر اکرم را معین نمودند به پاره

عنوانات مسکوت عنه واقع شد حال هم بقرار معلوم انجمن ایالتی تبریز و فرمانفرمای مملکت در عزل رشید الملک پاره محذورات پیش می آرند جای کمال تأسف است در مدت نه ماه بی نظمی و قتل و غارت ولایات معروضه را اسباب تفریح و ملت مظلوم را وجه مصالحه قرار دادماند میل آکفا ندارند

بالصراحت عرض می نمایم عشار روه بیلاق در حرکتند اگر در انتخاب و تعیین حاکم مقتدر و دلیر و آزموده مجرب مشروطه خواه اندک تاخیر شود چند روزی نمیکرد در انصفحات برای ملة نه سرماند و نه سامان در اینصورت ملامت نخواهد کرد مگر نفس خودشان را

شوال

درمازندران هم مصدقین و امنای جناب میرزا عباسقلی خان پول زیادی از مردم گرفته اند از هر نفری ده تومان گرفته اند باین تفصیل و فزیادهای علی جراند از تقلبات مشار الیه هنوز امنای ایشان بر عکس صحبه می دارند می گویند این صحبه افسانه است و کینه با میرزا عباسقلی خان است مردمرا وعده بانیهتا آهفته می دهند

انچه بنظر جا کر می رسد اینست چون شنیده اند مشار الیه در تحت استنطاق است و پولها شیکه از مردم باسم انجمن آدمیه گرفته اند پس می خواهند انخرهها می زنند که سایر ولایات سر و صدائی بلند نشود و ولایات دیگر هم مطالبه پول نمایند متدعی است از گذارشات مشار الیه مرقوم فرمایند که مال کار مشارالیه بکجا انجامید و لاف های امنای مشار الیه و وعده صادق مردم بانیهته و آهفته چه دلیل دارد

حبل المتین

قلبات و خجانت های میرزا عباسقلی از آن گذشته که کسی بتواند برده پوشی کند کذب ادعای او بر همه معلوم گشته نه نیابتی از طرف ملکم داشته نه چیزی پول هائی که از برای مجمع آدمیت بجمله و تدویر از مردم گرفته و صرف تمیسات خود نموده الان صاحبان پول با او طرف و مطالبه پول خود را می کنند و هر روز با او در عدلیه در محاکمه و کشاکش اند هر کس باین اسم پولی بگیرد عجا و عنوانی کند بی ماخذ و باطل است

رفع اشتباه

در نمره ( ۲۶۵ ) در ذیل راپرت ازلی مندرج بود که ظهیر السلطان نایب الحکومه ازلی شده وقایع نگار مادر اسم اشتباه نموده بوده است نایب الحکومه انجا ظهیر حضور پسر دوم جناب ظهیر الدوله است و ظهیر السلطان برشت نرفته و در طهران است

(حسن الحسینی الکاشانی)

(طهران مطبعه « قاروس »)

جواب انرا بحضور مبارک من شده - مسلمین غوث بتهد دام عجمه بی هاشم و رفع اجحافات غسال خانه حیث تسخیل زیاده از مبلغ بر هر ذی فواهد ادای تصویر و موم و مزین

د الله بجهتند منظور گفتند حکومه نوشتم انجمن مکرم کردند خبلی بکثومان را مناسب است هم هرگاه میخواهند بدهد و اذن باند بی هرگاه رفتی به غسان کند و اگر و معزاین را بخار کنند تا وی البهبانی

۱۳۲۶

ان (ت مستطاب ن آقای آقا فقه مطاع فرموده اند داشته و مصطفی قلی

مکری عموم